

## بازتاب روابط خویشاوندی در ضرب‌المثل‌های فارسی

بهمن زندی<sup>۱\*</sup> بیستون عباسی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۲، تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۱)

### چکیده

یکی از عرصه‌های تجلی روابط خویشاوندی زبان، ادبیات عامه و به ویژه ضرب‌المثل‌ها هستند. پژوهش حاضر به بررسی انعکاس روابط خویشاوندی در ضرب‌المثل‌های فارسی می‌پردازد. به این منظور، ضرب‌المثل‌هایی انتخاب شدند که در آن‌ها واژه‌هایی برای ارجاع به خویشاوندان به کار رفته است. ضرب‌المثل‌های منتخب از **فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی** استخراج شدند و ضرب‌المثل‌های مربوط به زبان‌ها و گویش‌های غیرفارسی از آن حذف شدند. در نهایت ۳۲۳۲ ضرب‌المثل فارسی مرتبط با روابط خویشاوندی به دست آمد. ضرب‌المثل‌ها نخست براساس روابط خویشاوندی آن‌ها دسته‌بندی شدند. سپس خویشاوندان بر اساس نوع خویشاوندی (نسبی، سببی یا ناتنی) و درجه خویشاوندی (درجه یک، درجه دو، درجه سه و خویشاوند دور) طبقه‌بندی و مقایسه شدند. جنس، نسل و فرود خویشاوندان، جنس «خود» و نوع خانواده نیز در نظر گرفته شدند و مبنای مقایسه خویشاوندان در ضرب‌المثل‌ها قرار گرفتند. ضرب‌المثل‌های مربوط به زن (در مقام همسر) بیشتر از همه خویشاوندان دیگر است؛ درحالی‌که ضرب‌المثل‌های مربوط به خویشاوندی نسبی بسیار بیش از خویشاوندی سببی و ناتنی

۱. استاد زبان‌شناسی دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول)

\*zandi@pnu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی

است. پس از زن، پدر در جایگاه دوم قرار دارد و فرزند در جایگاه سوم. خویشاوندان مؤنث بیش از خویشاوندان مذکر در ضرب‌المثل‌ها آمده‌اند؛ اما در عین حال فراوانی ضرب‌المثل‌های مربوط به مردان خویشاوند بیش از زنان خویشاوند است.

**واژه‌های کلیدی:** ضرب‌المثل، خویشاوندی، واژگان خویشاوندی، موردادک.

#### ۱. مقدمه

شبکه‌ها و روابط خویشاوندی ارکان تشکیل‌دهنده جوامع بشری هستند؛ از این رو، اندیشمندان و متفکران علوم مختلف از زمان افلاطون تاکنون به بررسی این روابط توجه و علاقه نشان داده‌اند. زبان‌شناسی نیز در کنار علوم مختلفی چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و انسان‌شناسی، از دریچه خود نظری به این موضوع افکنده است. البته ناگفته پیداست که این منظر صرفاً و منحصرأً زبان‌شناختی نیست و رویکردی است میان‌رشته‌ای، مشترک با انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی. احتمالاً نخستین طبع‌آزمایی زبان‌شناسان در حوزه مطالعات خویشاوندی، فراتر از ارائه فهرست واژه‌های به‌کاررفته برای ارجاع به خویشاوندان، تحلیل مؤلفه‌ای واژگان خویشاوندی بود. پس از ورود اصول واج‌شناسی تروبتسکوی<sup>۱</sup> به حوزه تحلیل معنا (لاینز، ۱۹۷۷: ۳۱۷) و ابداع روش تحلیل مؤلفه‌ای، انسان‌شناسان آمریکایی، گودایناف (۱۹۵۶) و لونزبری (۱۹۵۶)، با الهام از آن، روش متفاوتی برای تحلیل معنا و کاربرد واژه‌های خویشاوندی زبان‌های مختلف ابداع کردند.

مطالعات خویشاوندی در قرن نوزدهم و با پژوهش‌های لوئیس هنری مورگان (۱۹۲۲ [۱۸۵۱]) در میان قبایل سرخ‌پوست آمریکایی بنیان نهاده شد. از آن زمان تاکنون انسان‌شناسان و زبان‌شناسان نام‌آشنای زیادی، از جمله سایپر (۱۹۱۸) و بوآز (۱۹۱۹)، در این حوزه قلم زده‌اند؛ اما در ایران به این حوزه چندان توجه نشده است. احتمالاً باطنی (۱۳۵۴) نخستین کسی است که به مطالعه واژگان خویشاوندی زبان فارسی پرداخته است. وی واژه‌های خویشاوندی زبان فارسی را بر اساس مؤلفه‌های معنایی دوتایی، تحلیل کرده است.

روابط خویشاوندی هر جامعه و فرهنگی در زبان و در قالب واژه‌های خویشاوندی تجلی می‌یابد. یکی از عرصه‌های ممکن برای این تجلی، ادبیات عامه و به‌ویژه

ضرب‌المثل‌ها هستند. ضرب‌المثل‌ها چکیده تجربیات مردم هر جامعه در قالب عباراتی موجز و به‌خوبی فرمول‌بندی شده هستند که به سادگی می‌توان به یاد سپرد و در مواقع لزوم به خاطر آورد (میدر، ۲۰۰۴: xi). اهمیت این پاره‌های زبانی در این است که آنچه را در هر فرهنگ مهم است به‌روشنی و وضوح هرچه‌تمام‌تر نشان می‌دهند. با نگاهی به مجموعه‌های منتشرشده از ضرب‌المثل‌های رایج در هر جامعه می‌توان به ارزش‌ها، هنجارها، باورها و محرمات و منهیات آن جامعه پی برد. ضرب‌المثل‌ها حتی تناقضات عقیدتی جامعه را نیز نشان می‌دهند: برای مثال «مکر از زنان و تلبیس از ابلیس ۸۳۲۷۶ (شکورزاده، عوام، بهمنیاری)»؛ اما در عین حال بهشت زیر پای مادران است. به‌هرروی، مطالعه و بررسی علمی ضرب‌المثل‌های هر جامعه راهی است برای شناخت هرچه بهتر آن جامعه و ابعاد مختلف انسانی و اجتماعی آن.

پارمیولوژی<sup>۲</sup> دانش مطالعه ضرب‌المثل‌ها و پارمیوگرافی<sup>۳</sup> فن گردآوری آنهاست. پارمیولوژی به مسائلی چون «تعریف، صورت، ساخت، سبک، کارکرد، محتوا، معنا و ارزش ضرب‌المثل‌ها» می‌پردازد (میدر، ۲۰۰۴: xii). خلاف «عبارت‌شناسی»<sup>۴</sup>، رشته دیگری که ضرب‌المثل‌ها نیز در حوزه مطالعه آن قرار دارند، در پارمیولوژی تنها به جنبه‌های زبان‌شناختی ضرب‌المثل پرداخته نمی‌شود؛ بلکه از دیدگاهی کلی‌تر به ابعاد انسان‌شناختی، زیبایی‌شناختی، ارتباطی، فرهنگی، فولکلوریک، تاریخی، ادبی، ریشه‌شناختی، روان‌شناختی، مذهبی و جامعه‌شناختی نیز توجه می‌شود (همان، xiii). انواع گسترده و ناهمگون رویکردها باعث شده است که اهداف، خط‌مشی‌ها، پیش‌فرض‌ها، روش‌شناسی‌ها و نتایج نظری مختلفی مطرح شوند (هانک، ۱۹۹۷: ۵)، و در نتیجه اینها، یک نظریه واحد و فراگیر در این زمینه وجود نداشته باشد که مورد قبول عموم صاحب‌نظران قرار گیرد. پیامد این تشتت آرا، دیدگاه‌های گوناگون است که هانک (همانجا) آن‌ها را در هفت دسته طبقه‌بندی می‌کند: «شخصی، صوری، مذهبی، ادبی، عملی، فرهنگی و شناختی»، که از این میان، چهار دیدگاه شخصی، مذهبی، ادبی و عملی به ندرت اهداف علمی دارند؛ اما سه دیدگاه صوری، فرهنگی و شناختی کاملاً علمی هستند.

این رشته خارج از ایران، سابقه‌ای دست‌کم ۱۵۰ ساله دارد و شامل حدود ده هزار عنوان اثر علمی است (میدر، ۲۰۰۴: xiii)؛ اما با نظری بر کتاب‌شناسی ضرب‌المثل‌ها (ذوالفقاری، ۱۳۸۵)، به روشنی می‌توان پی برد که بیشترین حجم ادبیات ضرب‌المثل در زبان فارسی را، مجموعه‌ها و فرهنگ‌ها به خود اختصاص داده‌اند که تنها دربردارنده فهرست‌هایی از ضرب‌المثل‌های گویش‌های مختلف ایرانی هستند، یعنی پارمیوگرافی. پس از آن‌ها مطالعات تطبیقی رتبه دوم را دارند و تنها اندکی انگشت‌شمار از مطالعات موجود به بررسی علمی ضرب‌المثل‌ها پرداخته‌اند؛ به طوری که بتوان آن‌ها را در حوزه پارمیولوژی به شمار آورد (ازجمله ثواقب، ۱۳۷۵؛ نوین، ۱۳۸۷). از این گذشته، نگاهی به منابع مورد استفاده در این آثار نشان می‌دهد که بررسی‌های انجام‌شده به زبان فارسی، به کلی نسبت به دستاوردهای جهانی و به‌ویژه نظریات این حوزه بی‌اعتناست و در عرض آن‌ها قرار دارد (برای نمونه، ر.ک: مؤید حکمت، ۱۳۸۶؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۷، ۱۳۸۹). این مسئله به طرح پرسشی دوگانه می‌انجامد: آیا نظریات جهانی موجود در زمینه بررسی ضرب‌المثل‌ها برای مطالعه ضرب‌المثل‌های زبان‌ها و گویش‌های ایرانی کاربرد دارند، یا اینکه تنها از آن‌ها غافل مانده‌ایم؟ امروزه، که گسترش و پیشرفت سریع صنعت ارتباطات مرزهای میان اندیشمندان و پژوهشگران را در جای‌جای جهان از میان برداشته و دانش را به پدیده‌ای واحد، جهانی و مشترک تبدیل کرده‌است، هیچ پژوهشی نمی‌تواند و نباید مستقل از پژوهش‌های انجام شده در نقاط دیگر جهان و در عرض آن‌ها باشد؛ بلکه باید در راستای آن‌ها باشد و کاستی‌های آن‌ها را جبران کند یا گامی فراتر از آن‌ها بگذارد. بنابراین تلاش برای همگام و همراه کردن پژوهش‌های پارمیولوژیک فارسی با پارمیولوژی جهانی، منطقی و ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا اگر چنین نکنیم راه‌های رفته دیگران را دوباره باید طی کنیم و آزموده‌های دیگران را دوباره باید بیازماییم و در نتیجه، از پیشرفتی که در این زمینه می‌توانیم و باید داشته باشیم، بازمی‌مانیم.

این مقاله به هیچ وجه ادعای مبرابودن از این دسته انتقادات را ندارد؛ اما سعی نگارندگان بر آن است که از زمره چهار دیدگاه غیرعلمی - که پیش‌تر ذکر آن‌ها رفت - نباشد. پژوهش حاضر در پی آن است تا با روشی عینی، بدون دخالت دادن سلیقه

شخصی و بدون تحلیل محتوایی حجم عظیمی از داده‌ها، تنها بر اساس تعداد معدودی ضرب‌المثل و تاحدی که به پدیده روابط خویشاوندی مربوط می‌شوند، به بررسی ضرب‌المثل‌های فارسی بپردازد. هدف آن است که ببینیم پس از جمع‌آوری و طبقه‌بندی این گونه ضرب‌المثل‌ها، چه الگوهایی می‌توان از داده‌ها استخراج کرد و از آرایش آن‌ها چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت. در تحلیل‌های این پژوهش از آراء مورداک (۱۹۴۹) استفاده شده است که در جای خود شرح آن‌ها خواهد آمد.

## ۲. پیشینه پژوهش

در زمینه انعکاس روابط خویشاوندی در ضرب‌المثل‌های فارسی تنها پژوهشی که مستقیماً به این موضوع پرداخته، اثر حسن ذوالفقاری (۱۳۹۱) است. در این اثر نخست خویشاوندان به دسته‌هایی تقسیم و فراوانی ضرب‌المثل‌های مربوط به هر دسته در *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی* (ذوالفقاری، ۱۳۸۸) استخراج شده است. پس از آن به هر یک (یا هر دسته) از خویشاوندان به صورت مجزا پرداخته شده و با ذکر مواردی محتوای ضرب‌المثل‌های هر دسته، ارزیابی شده‌اند. نویسنده اثر در پایان نتیجه می‌گیرد که خویشاوندان نزدیک جایگاه ویژه‌ای در ضرب‌المثل دارند و فراوانی بیشتر نشانه اهمیت بیشتر خویشاوندان است. البته نباید فراموش کرد که ضرب‌المثل‌های بررسی شده در این اثر منحصراً از زبان فارسی نیست و همه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی را دربرمی‌گیرند.

دو پژوهش دیگر نیز که می‌توان اشاره‌ای به آن‌ها کرد، کلهر (۱۳۸۰) و موحد و دیگران (۱۳۹۱) است که به جایگاه «زن» در ضرب‌المثل پرداخته‌اند؛ اما در لابلای بحث‌های مطرح‌شده، با توجه به اینکه یکی از معانی و کاربردهای واژه زن در زبان فارسی همسر است، از این رهگذر گریزی به موضوع خویشاوندی نیز زده‌اند. این دو اثر منحصراً محتوای امثال منتخب را تحلیل کرده و هیچ‌گونه اطلاعات آماری فراهم نکرده‌اند.

## ۳. روش پژوهش

ضرب‌المثل‌هایی که در این پژوهش بررسی شده‌اند از *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی* (۱۳۹۲) استخراج شده‌اند. این فرهنگ دو جلدی بزرگ حاوی قریب صد هزار

ضرب‌المثل است؛ اما خلاف آنچه از عنوان این کتاب برمی‌آید، همه ضرب‌المثل‌ها فارسی نیستند و از بسیاری از زبان‌ها و گویش‌های ایرانی گردآوری شده‌اند، از جمله آذری، بلوچی، کردی، گیلکی، لکی، لری و ... با نگاهی به نمایه کوتاه‌نوشت منابع در پایان کتاب، می‌توان به گستره زبانی فرهنگ پی‌برد.

این فرهنگ که ضرب‌المثل‌ها را به صورت الفبایی و با شماره‌گذاری از ۱ تا ۹۹۶۲۱ مرتب کرده، شامل «نمایه کلیدواژگان و موضوعات» است. برای استخراج ضرب‌المثل‌های هدف، نخست کلیدواژه‌های مرتبط در نمایه و شماره آن‌ها مشخص شده و براساس شماره‌ها ضرب‌المثل‌ها در متن جست‌وجو و تایپ شدند. پس از حذف ضرب‌المثل‌های تکراری و ضرب‌المثل‌های مربوط به زبان‌ها و گویش‌های غیرفارسی و ضرب‌المثل‌های حاوی واژه‌های خطاب، تعداد ۳۰۲۳۲ ضرب‌المثل برای بررسی باقی ماندند. در این مقاله، محدود ضرب‌المثل‌هایی که از فرهنگ ضرب‌المثل‌ها ذکر شده‌اند، برای سهولت مراجعه، با شماره ثبت‌شده در فرهنگ ذوالفقاری ذکر شده‌اند.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

در گام نخست ۳۰۲۳۲ ضرب‌المثل، براساس نوع روابط خویشاوندی ذکر شده در آن‌ها، به دسته‌های خویشاوندی نسبی، خویشاوندی سببی، خویشاوندی ناتنی و واژه‌های خویشاوندی جمعی تقسیم شدند.

مورد اک (۱۹۴۹: ۱۴)، انسان‌شناس برجسته، روابط خویشاوندی را به صورت درجه یک، درجه دو، درجه سه و خویشاوندان دور درجه‌بندی کرده که هنوز تقسیم‌بندی پرکاربردی است و همچنان، چه در میان عموم و چه در میان متخصصان، مورد استفاده است. بنا به تعریف وی، خویشاوندان درجه یک فرد عبارت‌اند از والدین، همسیران، همسر و فرزندان. خویشاوندان درجه دو عبارت‌اند از خویشاوندان درجه یک خویشاوندان درجه یک، به شرطی که خویشاوند درجه یک خود فرد نباشند، مانند پدر پدر، برادر مادر و پسر برادر. خویشاوندان درجه سه عبارت‌اند از خویشاوندان درجه یک خویشاوندان درجه دو به شرطی که خویشاوند درجه یک یا درجه دوی فرد

نباشند، مانند شوهرِ خواهرِ پدر، دخترِ خواهرِ همسر و پسرِ خواهرِ مادر. خویشاوندانی که در این سه گروه قرار نمی‌گیرند، خویشاوندان دور به شمار می‌آیند (همانجا).  
 به پیروی از تقسیم‌بندی مورد‌اک، روابط خویشاوندی منعکس شده در ضرب‌المثل‌ها را، علاوه بر دسته‌بندی پیشین، براساس درجه نیز طبقه‌بندی کرده‌ایم. البته این طبقه‌بندی تنها درباره روابط خویشاوندی نسبی و سببی قابل انجام است. در نتیجه اعمال این طبقه‌بندی جدول شماره (۱) به دست آمد. چنان‌که مشاهده می‌شود در این جدول روابط خویشاوندی نسبی و سببی، هریک به درجات مختلف تقسیم می‌شوند و هر خویشاوندی که در این درجات قرار می‌گیرد، ذکر شده است. علاوه بر این، در مقابل هر خویشاوند واژه‌های مختلفی که برای ارجاع به داده‌های در دست به کار رفته، فهرست شده‌اند. در این جدول‌ها علامت تیره (-) نشانه عدم وقوع واژه در داده‌هاست.

جدول شماره ۱: دسته‌بندی خویشاوندان براساس نوع و درجه و واژه‌های مربوط به هر

رابطه خویشاوندی

نوع خویشاوندی	درجه خویشاوندی	خویشاوند	واژه‌های به کار رفته برای ارجاع به خویشاوند مربوط
نسبی	درجه یک	پدر	پدر، بابا، آقا، بابو، باب، اب
		مادر	مادر، ننه، ماما، مامان، ننو، ام، بی‌بی
		برادر	برادر، برار، کاکا، کاکو، داداش، خان‌داداش، آق‌داداش، آق‌داداش، آداداش، داش، اخوت، اخوان
		خواهر	خواهر، خوار، آبجی، خان باجی، خانم باجی
		پسر	پسر، گر، کلاه‌به‌سر، کلاه سرک، پور
		دختر	دختر، دخت، مقنعه سرک، مخمل‌به سر، کلیته‌به‌سر
		بچه	فرزند، بچه، اولاد، ولد، طفل، کودک، زاده، پرورده، دردانه
		والدین	والدین

پدر بزرگ	پدر بزرگ، جد، نیا	درجه دو	
مادر بزرگ	ننه بزرگ		
عمو	عمو، خان عمو، آقاعمو، حاج عمو		
دایی	دایی، خالو، خال، خان دایی، آقادایی		
عمه	عمه، عمه خانم		
خاله	خاله، خاله خانم، خاله خاتون		
نوه	نوه، دخترزاده، بچه‌زا، نواده		
برادرزاده	برادرزاده		
خواهرزاده	خواهرزاده		
پسرعمو	پسرعمو		
دخترعمو	دخترعمو		
عموزاده	عموزاده		
پسر دایی	-		
دختر دایی	-		
پسر عمه	-		
دختر عمه	-		
پسر خاله	پسر خاله		
دختر خاله	دختر خاله		
خاله زاده	خاله زاده، خاله‌زا		
نتیجه	نتیجه	دور	
نییره	نییره، نواسه		
شوهر	شوهر، شو، شوی، مرد، آقا	درجه یک	سببی
زن	زن، خانم، عیال، خاتون، بی‌بی، کدبانو، جفت، عقدی، صیغه‌ای		
همسر	همسر		
داماد	داماد	درجه دو	
عروس	عروس، زن پسر		
پدر شوهر	پدر شوهر		



مادرشوهر	مادرشوهر، خشو		
پدرزن	پدرزن		
مادرزن	مادرزن		
برادرشوهر	برادرشوهر		
خواهرشوهر	خواهرشوهر، خارسو، خواهرشوی		
برادرزن	-		
خواهرزن	خواهرزن		
زن‌برادر	زن‌برادر		
شوهرخواهر	-		
هوو	هوو و وسنی		
باجناق	باجناق (باجناق)، هم‌داماد، هم‌ریش	درجه سه	
جاری	جاری، یاری، یادو		
ناپدری	ناپدری، شوهرننه، پدراندر		ناتنی
نامادری	نامادری، مادراندر، زن‌بابا، زن‌پدر		
ناپسری	ناپسری، پسراندر		
نادختری	-		
نابرداری	برادرخوانده		
ناخواهری	خواهرخوانده		
بچه‌هوو	هووزاده		
بچه‌شوهر	پیزاده		

علاوه بر سه دسته‌ای که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود، دو دسته دیگر نیز از داده‌ها استخراج شدند. نخست گروه واژه‌های خویشاوندی جمعی، که مصادیق آن‌ها نه یک خویشاوند خاص، بلکه گروهی از خویشاوندان هستند، و دیگری گروه سایر واژه‌ها که واژه‌هایی کم‌کاربرد، اما مرتبط با روابط خویشاوندی هستند، مانند هم‌خون، و افزون‌بر آن‌ها چند ضرب‌المثل دیگر که واژه خویشاوندی در آن‌ها نیست؛ اما موضوع آن‌ها خویشاوندی است، مانند «تبر دسته خودش را نمی برد (۲۸۴۵۰)». این دو دسته در جدول شماره (۲) نشان داده شده‌اند.

جدول شماره ۲: دو گروه واژه‌های خویشاوندی جمعی و دیگر واژه‌ها

سایر واژه‌ها	واژه‌های خویشاوندی جمعی
نسب	خانواده
کس	خویش
هم‌پدر	فامیل
هم‌خون	قوم
وارث	قبیله
سایر	طایفه
--	خاندان

موردادک علاوه بر درجه‌بندی روابط خویشاوندی، معیارهایی را نیز برای تحلیل واژه‌های خویشاوندی معرفی کرده است، که عبارت‌اند از نسل، جنس، وصلت، فرود، سوی و قطبیت (ر.ک: موردادک، ۱۹۴۹: ۱۰۱). اهل زبان با انتخاب، اعمال و ترکیب معیارهای متفاوت میان خویشاوندان مختلف تمایز قائل می‌شوند و گستره ارجاع واژه‌های خویشاوندی را محدود می‌کنند، برای مثال واژه پدر بر اساس جنس با مادر در تقابل قرار می‌گیرد و به واسطه نسل با پدربزرگ. در این مقاله از سه معیار نسل، جنس و فرود برای تحلیل استفاده خواهیم کرد و آن‌ها را مبنای دسته‌بندی ضرب‌المثل‌های حاوی واژگان خویشاوندی قرار خواهیم داد. گفتنی است که واژه‌های خویشاوندی رابطه افراد موجود در شبکه خویشاوندی را نسبت به یک شخص ثابت برچسب‌گذاری می‌کنند که در سنت مطالعات خویشاوندی آن را «خود» می‌نامند.

معیار نسل میان خویشاوندان نسل‌های مختلف تمایز ایجاد می‌کند و بیشتر از ۲ نسل پیش از «خود» آغاز می‌شود و تا ۲ نسل پس از «خود» ادامه می‌یابد. معیار جنس نیز میان خویشاوندان مذکر و مؤنث ایجاد تمایز می‌کند. معیار فرود بر این واقعیت زیست‌شناختی متکی است که از چند خویشاوند متعلق به یک نسل و جنس برخی به واسطه تبار به «خود» نزدیک‌تر از دیگران‌اند، برای مثال در خویشاوندان نسبی نسل‌های بعد از «خود»، فرزندان و نوادگان (که با «خود» در یک خط تباری قرار دارند) از فرزندان و نوادگان همشیران (که در یک خط تباری موازی با خط تباری «خود» هستند)

نزدیک‌ترند (برای آشنایی با این معیارها و دیگر معیارهایی که در اینجا تعریف نشدند، رک: عباسی، ۱۳۹۰؛ عباسی و کزازی، ۱۳۹۲).

در ادامه فراوانی ضرب‌المثل‌ها برای هر کدام از روابط و واژه‌های مذکور در جدول‌های شماره (۱) و (۲)، با احتساب مجموع واژه‌های به‌کاررفته برای ارجاع به یک خویشاوند، مانند پدر، بابا، بابو، باب و غیره برای خویشاوند پدر، به تفکیک نوع خویشاوندی و سایر واژه‌های مرتبط با موضوع خویشاوندی، در جدول‌هایی ارائه خواهند شد. علاوه‌بر فراوانی، ضرب‌المثل‌ها براساس نسل، جنس و فرود نیز مورد بررسی قرار خواهند گرفت، البته معیار فرود تنها برای خویشاوندان نسبی قابل طرح است.

#### ۴-۱. خویشاوندان نسبی

##### ۴-۱-۱. فراوانی

این گروه با تعداد ۲۶۴۷ ضرب‌المثل نسبت به دیگر گروه‌ها بیشترین شمار را به خود اختصاص داده است. در جدول شماره (۳) فراوانی و درصد ضرب‌المثل‌های مربوط به هر خویشاوند و مجموع آن‌ها نشان داده شده است.

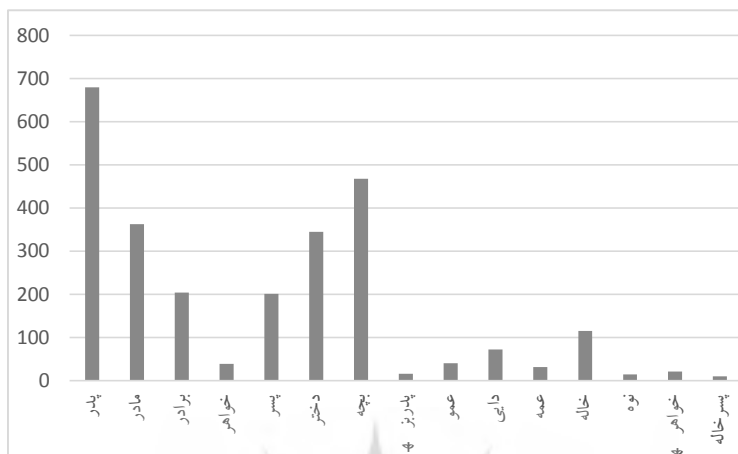
جدول شماره ۳: خویشاوندان نسبی و فراوانی ضرب‌المثل‌های مربوط به آن‌ها

درجه	خویشاوند	تعداد	درصد	جمع درجه	جمع نوع
درجه یک	پدر	۶۸۰	٪۲۵.۶۸	۲۳۰۱	۲۶۴۷
	مادر	۳۶۳	٪۱۳.۷۱		
	برادر	۲۰۴	٪۷.۷		
	خواهر	۳۹	٪۱.۴۷		
	پسر	۲۰۱	٪۷.۵۹		
	دختر	۳۴۵	٪۱۳.۰۳		
	بچه	۴۶۸	٪۱۷.۶۸		
	والدین	۱	٪۰.۰۳		
درجه ۲	پدربزرگ	۱۶	٪۰.۶	۳۱۶	
	مادربزرگ	۲	٪۰.۰۷		

		۱.۵۱٪	۴۰	عمو	
		۲.۷۲٪	۷۲	دایی	
		۱.۱۷٪	۳۱	عمه	
		۴.۳۴٪	۱۱۵	خاله	
		۰.۵۲٪	۱۴	نوه	
		۰.۱۹٪	۵	برادرزاده	
		۰.۷۹٪	۲۱	خواهرزاده	
	۲۸	۰.۱۹٪	۵	پسرعمو	درجه سه
		۰.۱۹٪	۵	دخترعمو	
		۰.۱۱٪	۳	عموزاده	
		۰٪	۰	پسردایی	
		۰٪	۰	دختردایی	
		۰٪	۰	پسرعمه	
		۰٪	۰	دخترعمه	
		۰.۳۸٪	۱۰	پسرخاله	
		۰.۰۳٪	۱	دخترخاله	
		۰.۰۳٪	۱	خاله‌زاده	
		۰.۱۱٪	۳	نتیجه	
	۲	۰.۰۷٪	۲	نبیره	دور

از جدول شماره (۳) پیداست که به خویشاوندان نسبی درجه یک بسیار بیشتر از خویشاوندان نسبی درجه دو و درجه سه در ضرب‌المثل‌های فارسی اشاره شده است. این تفاوت در نمودار شماره (۱) در زیر بهتر نمایان است. در این نمودار، به علت کمبود فضا، گروه‌های با فراوانی زیر ۱۰ نشان داده نشده‌اند.

نمودار شماره ۱: مقایسه فراوانی ضرب‌المثل‌های مربوط به خویشاوندان نسبی



#### ۴-۱-۲. جنس

در این دسته از ضرب‌المثل‌ها، تفاوت جنس خویشاوندانی که در ضرب‌المثل‌ها به آن‌ها اشاره شده، چشمگیر است. البته این تفاوت در گروه خویشاوندان درجه یک معنادارتر است. در جدول شماره (۴) نتیجه تقسیم‌بندی ضرب‌المثل‌ها براساس جنس خویشاوند، ارائه شده است.

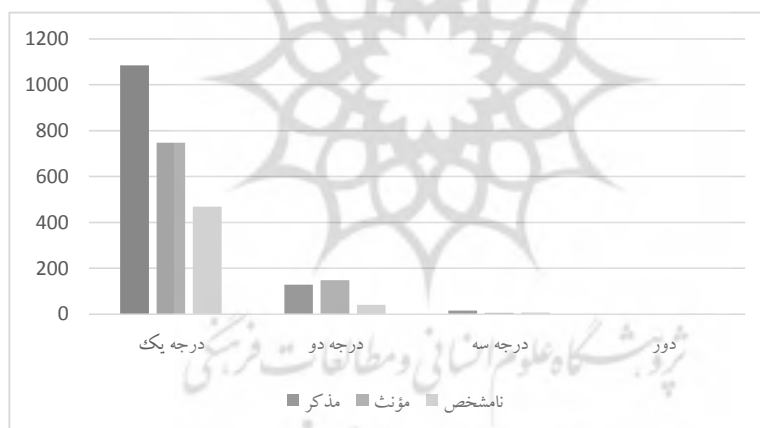
جدول شماره ۴: توزیع جنس در خویشاوندان نسبی براساس درجه

درجه	جنس	تعداد	جمع	درصد
درجه یک	مذکر	۱۰۸۵	۲۳۰۱	٪۴۷.۱۵
	مؤنث	۷۴۷		٪۳۲.۴۶
	نامشخص	۴۶۹		٪۲۰.۴
درجه دو	مذکر	۱۲۸	۳۱۶	٪۴۰.۵
	مؤنث	۱۴۸		٪۴۶.۸
	نامشخص	۴۰		٪۱۲.۶
درجه سه	مذکر	۱۵	۲۸	٪۵۳.۵
	مؤنث	۶		٪۲۱.۴

نامشخص	۷		٪۲۵
مذکر	۰	۲	٪۰
مؤنث	۰		٪۰
نامشخص	۲		٪۱۰۰

چنان‌که در نمودار شماره (۲) نیز قابل مشاهده است، در گروه خویشاوندان نسبی درجه یک، ضرب‌المثل‌های حاوی واژه‌های مربوط به خویشاوندان مذکر با اختلاف بسیاری، بیشتر از ضرب‌المثل‌های حاوی واژه‌های مربوط به خویشاوندان مؤنث یا واژه‌های از نظر جنس نامشخص، هستند. این تفاوت در گروه خویشاوندان درجه دو، البته با اختلافی نه‌چندان زیاد، عکس خویشاوندان درجه یک است. در خویشاوندان درجه دو، فراوانی ضرب‌المثل‌های مربوط به خویشاوندان مؤنث بیشتر است.

نمودار شماره ۲: توزیع جنس در خویشاوندان نسبی براساس درجه



### ۳-۱-۴. نسل

واژه‌های خویشاوندی نسبی فارسی، خویشاوندان دو نسل قبل از «خود» (پدربزرگ و مادربزرگ) تا چهار نسل بعد از «خود» (نبیره) را پوشش می‌دهند. در اینجا ضرب‌المثل‌های خویشاوندی بر اساس این ویژگی دسته‌بندی می‌شوند، برای سهولت

بازتاب روابط خویشاوندی در ضرب‌المثل‌های فارسی \_\_\_\_\_ بهمن زندی و همکار

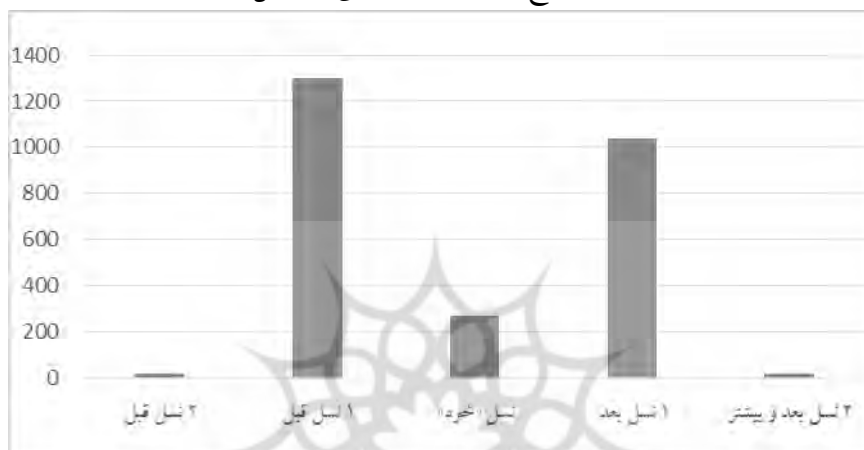
بررسی نسل‌های دوم، سوم و چهارم بعد از «خود» را یک گروه به‌شمار می‌آوریم. در جدول شماره (۵) توزیع ضرب‌المثل‌ها را بر اساس نسل خویشاوندان مشاهده می‌کنید.

جدول شماره ۵: توزیع خویشاوندان نسبی بر اساس نسل

نسل	خویشاوند	تعداد	جمع	درصد
۲ نسل قبل از «خود»	پدربزرگ	۱۶	۱۸	۰.۶۸٪
	مادربزرگ	۲		
۱ نسل قبل از «خود»	پدر	۶۸۰	۱۳۰۲	۴۹.۱۹٪
	مادر	۳۶۳		
	عمو	۴۰		
	دایی	۷۲		
	عمه	۳۱		
	خاله	۱۱۵		
	والدین	۱		
نسل «خود»	برادر	۲۰۴	۲۶۸	۱۰.۱۲٪
	خواهر	۳۹		
	پسرعمو	۵		
	دخترعمو	۵		
	عموزاده	۳		
	پسرخاله	۱۰		
	دخترخاله	۱		
	خاله‌زاده	۱		
۱ نسل بعد از «خود»	پسر	۲۰۱	۱۰۴۰	۳۹.۲۹٪
	دختر	۳۴۵		
	بچه	۴۶۸		
	برادرزاده	۵		
	خواهرزاده	۲۱		
۲ نسل و بیشتر بعد از «خود»	نوه	۱۴	۱۹	۰.۷۲٪
	نتیجه	۳		
	نیره	۲		

توزیع ضرب‌المثل‌های مربوط به خویشاوندان نسبی براساس نسل در نمودار شماره (۳) گویاتر است. الگوی منظم افزایش و کاهش با پایین آمدن نسل نشانه اهمیت نسل بلافاصله پیش و بلافاصله پس از «خود» است.

نمودار شماره ۳: توزیع خویشاوندان نسبی در نسل‌های مختلف



#### ۴-۱-۴. فرود

معیار فرود دارای سه ارزش خطی<sup>۵</sup>، هم خطی<sup>۶</sup> و ناخطی<sup>۷</sup> است. فرود خطی مشخصه خویشاوندانی است که با «خود» در یک خط تباری هستند، مانند فرزندان و والدین. هم خطی مشخصه خویشاوندانی است که اسلافشان همه اسلاف «خود» را در بر می‌گیرند، مانند خواهران و برادران. و بالاخره ناخطی، که نه خطی است و نه هم خطی، ویژگی خویشاوندانی است که تنها بخشی از اسلافشان اسلاف «خود» نیز هستند. بر این اساس توزیع خویشاوندان بر اساس فرود مطابق جدول شماره (۶) خواهد بود.



جدول شماره ۶: توزیع خویشاوندان نسبی بر اساس فرود

فرود					
ناخطی		هم خطی		خطی	
تعداد	خویشاوند	تعداد	خویشاوند	تعداد	خویشاوند
۴۰	عمو	۲۰۴	برادر	۱۶	پدربزرگ
۷۲	دایی	۳۹	خواهر	۲	مادربزرگ
۳۱	عمه	۵	برادرزاده	۶۸۰	پدر
۱۱۵	خاله	۲۱	خواهرزاده	۳۶۳	مادر
۵	پسرعمو			۱	والدین
۵	دخترعمو			۲۰۱	پسر
۱۰	پسرخاله			۳۴۵	دختر
۱	دخترخاله			۴۶۸	بچه
۳	عموزاده			۱۴	نوه
۱	خاله‌زاده			۳	نتیجه
				۲	نبیره
۲۸۳		۲۶۹		۲۰۹۵	

بیشترین فراوانی از آن خویشاوندان دارای فرود خطی است؛ یعنی خویشاوندانی که با «خود» در یک خط تباری قرار دارند، بیشتر از سایر خویشاوندان در ضرب‌المثل‌ها به آن اشاره شده است. خویشاوندان دارای فرود ناخطی نیز در جایگاه دوم قرار دارند؛ اما اگر تعداد مقولات هر دسته را نیز در نظر بگیریم، درمی‌یابیم که ۴ خویشاوند دارای فرود هم‌خطی با فراوانی ۲۶۹ بیش از گروه ناخطی با ۱۰ خویشاوند و فراوانی ۲۸۳ در ضرب‌المثل‌ها ذکر شده‌اند.

#### ۴-۲. خویشاوندان سببی

##### ۴-۲-۱. فراوانی

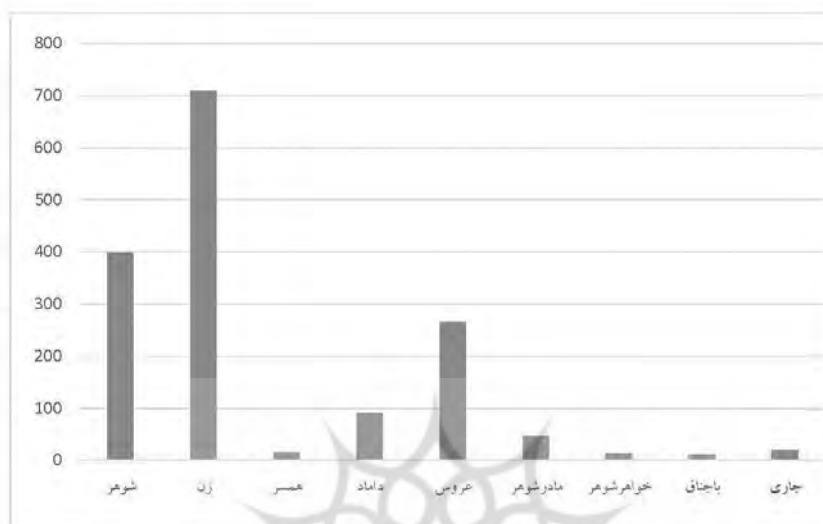
تعداد ۱۶۳۵ ضرب‌المثل در این دسته جای می‌گیرند. در جدول شماره (۷) فراوانی و درصد ضرب‌المثل‌های مربوط به خویشاوندان سببی به تفکیک خویشاوند مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۷: خویشاوندان سببی و فراوانی ضرب‌المثل‌های مربوط به آن‌ها

درجه	خویشاوند	تعداد	درصد	جمع درجه	جمع نوع
درجه یک	شوهر	۳۹۸	٪۲۴.۳۴	۱۱۲۴	۱۶۳۵
	زن	۷۱۰	٪۴۳.۴۲		
	همسر	۱۶	٪۰.۹۸		
درجه دو	داماد	۹۱	٪۵.۵۶	۴۸۰	
	عروس	۲۶۶	٪۱۶.۲۷		
	پدرشوهر	۴	٪۰.۲۴		
	مادرشوهر	۴۷	٪۲.۸۷		
	پدرزن	۸	٪۰.۴۹		
	مادرزن	۸	٪۰.۴۹		
	برادرشوهر	۲	٪۰.۱۲		
	خواهرشوهر	۱۴	٪۰.۸۵		
	برادرزن	۰	٪۰		
	خواهرزن	۹	٪۰.۵۵		
	زن‌برادر	۱	٪۰.۰۶		
	شوهرخواهر	۰	٪۰		
	هوو	۳۰	٪۱.۸۳		
درجه سه	باجناق	۱۱	٪۰.۶۷	۳۱	
	جاری	۲۰	٪۱.۲۲		

در نمودار شماره (۴) فراوانی گروه‌های مختلف را بهتر می‌توان مقایسه کرد. در این نمودار نیز گروه‌های دارای فراوانی زیر ۱۰ حذف شده‌اند.

نمودار شماره ۴: مقایسه فراوانی ضرب‌المثل‌های مربوط به خویشاوندان سببی



از این نمودار پیداست که ضرب‌المثل‌هایی که درباره زن (در مقام همسر) هستند، با تعداد ۷۱۰ و ۴۰٪ کل ضرب‌المثل‌های دسته خویشاوندان سببی، بسیار بیشتر از دیگر گروه‌ها هستند.

۴-۲-۲. جنس

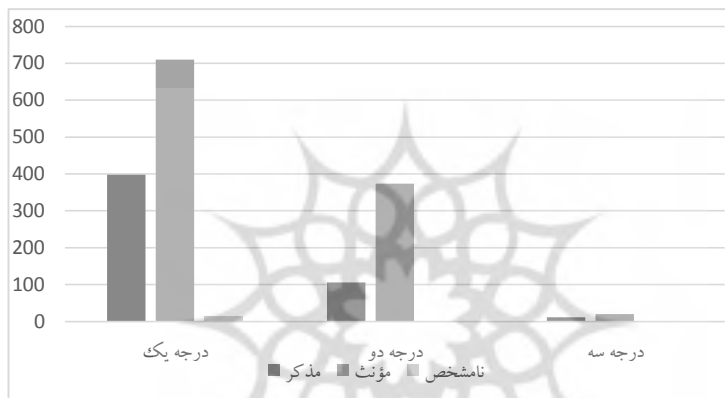
با اندکی دقت در نمودار شماره (۴) می‌توان دریافت که توزیع جنس در ضرب‌المثل‌های این دسته قابل توجه است. فراوانی زن، عروس و مادرشوهر آشکارا بیشتر از فراوانی شوهر، داماد و پدرشوهر است. در جدول شماره (۸) توزیع جنس در ضرب‌المثل‌های این دسته نشان داده شده و در نمودار شماره (۵) مجسم شده است.

جدول شماره ۸: توزیع جنس در خویشاوندان سببی بر اساس درجه

درجه	جنس	تعداد	جمع	درصد
درجه یک	مذکر	۳۹۸	۱۱۲۴	٪۳۵.۴
	مؤنث	۷۱۰		
	نامشخص	۱۶		

٪۲۲	۴۸۰	۱۰۶	مذکر	درجه دو
٪۷۷.۹		۳۷۴	مؤنث	
٪۰		۰	نامشخص	
٪۳۵.۴	۳۱	۱۱	مذکر	درجه سه
٪۶۴.۵		۲۰	مؤنث	
۰		۰	نامشخص	

نمودار شماره ۵: توزیع جنس در خویشاوندان سببی بر اساس درجه



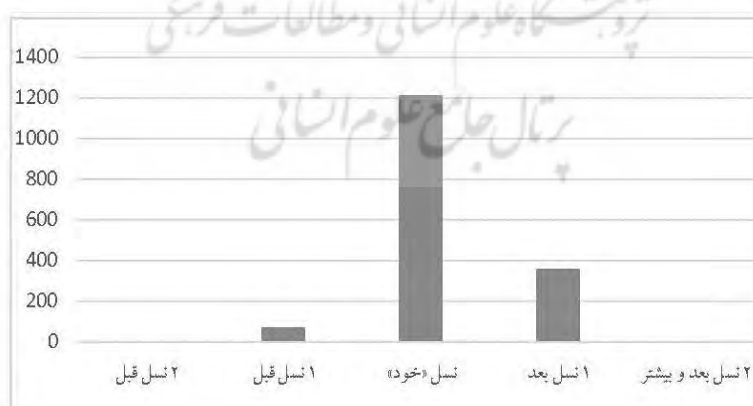
### ۳-۲-۴. نسل

خویشاوندان سببی، خلاف خویشاوندان نسبی تنها در سه نسل توزیع شده‌اند؛ نسل قبل از «خود» و نسل‌های بلافاصله قبل و بعد از «خود». چنان‌که در جدول شماره (۹) مشاهده می‌شود، در خویشاوندان سببی، باز هم خلاف خویشاوندان نسبی، فراوانی خویشاوندان در نسل «خود» بسیار زیاد و بیش از دو نسل دیگر است. نمودار شماره (۶) را با نمودار شماره (۳) مقایسه کنید.

جدول شماره ۹: توزیع خویشاوندان سببی براساس نسل

نسل	خویشاوند	تعداد	جمع	درصد
یک نسل قبل از «خود»	پدرشوهر	۴	۶۷	۴.۱٪
	مادرشوهر	۴۷		
	پدرزن	۸		
	مادرزن	۸		
نسل «خود»	شوهر	۳۹۸	۱۲۱۱	۷۴.۰۶٪
	زن	۷۱۰		
	همسر	۱۶		
	خواهرشوهر	۱۴		
	برادرشوهر	۲		
	خواهرزن	۹		
	برادرزن	۱		
	هوو	۳۰		
	باجناق	۱۱		
	جاری	۲۰		
یک نسل بعد از «خود»	داماد	۲۶۶	۳۵۷	۲۱.۸۳
	عروس	۹۱		

نمودار شماره ۶: توزیع خویشاوندان سببی در نسل‌های مختلف



#### ۴-۲-۴. جنس «خود»

یکی از مسائلی که در مطالعات مربوط به خویشاوندی مطرح می‌شود، جنس شخصی است که در مرکز شبکه خویشاوندی قرار می‌گیرد. پیش‌تر گفته شد که واژه‌های خویشاوندی رابطه افراد موجود در شبکه را نسبت به یک شخص ثابت برچسب‌گذاری می‌کنند و در سنت مطالعات خویشاوندی این شخص را «خود» می‌نامند. در بسیاری از فرهنگ‌ها با تغییر شرایط «خود»، نظیر سن، جنس، تاهل و غیره، واژگان خویشاوندی مورد استفاده نیز تغییر می‌کنند، برای مثال در زبان ژاپنی بسته به سن «خود»، واژه‌ای که برای ارجاع به برادر به‌کار می‌رود، متغیر است؛ اما در زبان فارسی تنها جنس «خود» تأثیری بر واژه‌های خویشاوندی دارد، آن هم نه به صورتی که با تغییر جنس «خود»، واژه ارجاع به یک خویشاوند واحد تغییر کند. بسته به اینکه «خود» مذکر یا مؤنث باشد، شبکه روابط متفاوت خواهد بود. پیداست که یک مرد نمی‌تواند پدرشوهر داشته باشد، یا یک زن خواهرزن داشته باشد.

در بررسی ضرب‌المثل‌های خویشاوندی نکته قابل توجه دیگر، تفاوت توزیع واژه‌های دارای «خود» مذکر با واژه‌های دارای «خود» مؤنث است. شبکه خویشاوندان نسبی از نظر جنس «خود» بی‌تفاوت است و اینکه جنس «خود» هرچه باشد، تغییری در تعداد و نوع خویشاوندان به وجود نمی‌آورد؛ اما در میان خویشاوندان سببی زن، پدرزن، مادرزن، برادرزن، خواهرزن و باجناق دارای «خود» مذکر، و واژه‌های شوهر، پدرشوهر، مادرشوهر، برادرشوهر، خواهرشوهر، هوو، جاری، هوزاده و پیزاده دارای «خود» مؤنث هستند. چنان‌که در جدول شماره (۱۰) می‌توان دید، جز در خویشاوندان سببی درجه یک- که همان زن و شوهر هستند- در خویشاوندان سببی درجه دو و سه، هم تعداد مقولات دارای «خود» مؤنث بیشتر است (۹ واژه در مقابل ۶ واژه) و هم فراوانی آن‌ها.

جدول شماره ۱۰: تفاوت فراوانی واژه‌های دارای «خود» مذکر  
با واژه‌های دارای خود مؤنث

واژه‌های دارای «خود» مؤنث	تعداد	تعداد	واژه‌های دارای «خود» مذکر
شوهر	۳۹۸	۷۱۰	زن
پدرشوهر	۴	۸	پدرزن
مادرشوهر	۴۷	۸	مادرزن
برادرشوهر	۲	۱	برادرزن
خواهرشوهر	۱۴	۹	خواهرزن
جاری	۲۰	۱۱	باجناق
هوو	۳۰		-
هووزاده	۱		-
پیزاده	۲		-
جمع	۴۹۱	۷۴۷	جمع

۳-۴. خویشاوندان ناتنی

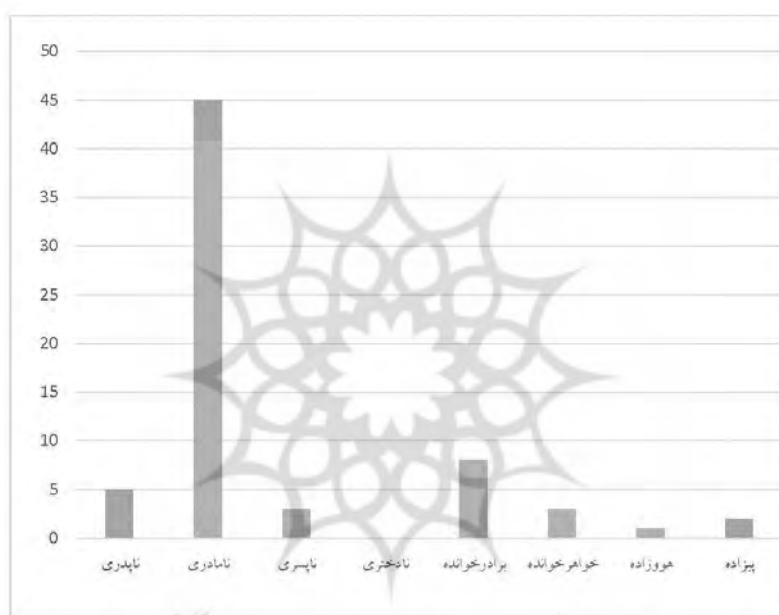
واژگان خویشاوندی ناتنی را نمی‌توان براساس درجه دسته‌بندی کرد. کل ضرب‌المثل‌های این دسته ۶۷ هستند. تعداد ضرب‌المثل‌های مربوط به واژگان خویشاوندی ناتنی و درصد‌های آن‌ها در جدول شماره (۱۱) ذکر شده‌اند.

جدول شماره ۱۱: خویشاوندان ناتنی و فراوانی ضرب‌المثل‌های مربوط به آن‌ها

خویشاوند	تعداد	درصد	جمع
ناپدری	۵	٪۷.۴۶	۶۷
نامادری	۴۵	٪۶۷.۱۶	
ناپسری	۳	٪۴.۴۸	
نادختری	۰	٪۰	
برادرخوانده	۸	٪۱۱.۹۴	
خواهرخوانده	۳	٪۴.۴۸	
هووزاده	۱	٪۱.۴۹	
پیزاده	۲	٪۲.۹۸	

چنان‌که مشاهده می‌شود، در این دسته نامادری با ۴۵ ضرب‌المثل و بیش از ۶۷٪ کل، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. در نمودار شماره (۷) توزیع ضرب‌المثل‌ها را بهتر می‌توان تشخیص داد. از همین نمودار نیز پیداست که توزیع جنس به چه صورتی است و نیازی به جدول یا نمودار دیگری ندارد.

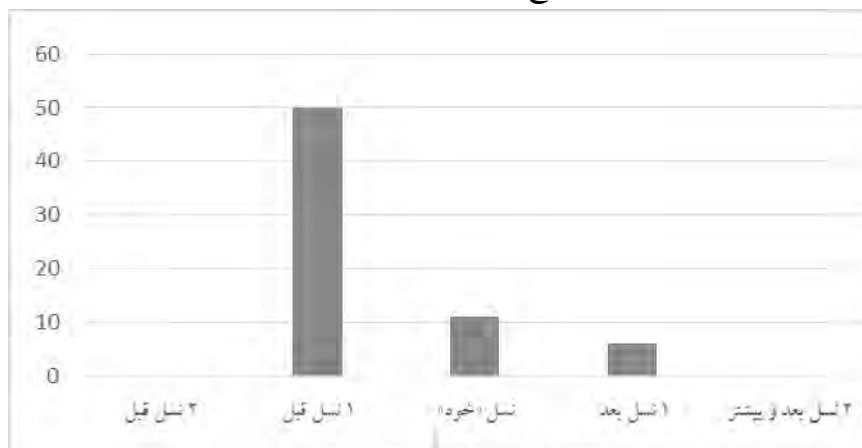
نمودار شماره ۷: مقایسه فراوانی ضرب‌المثل‌های مربوط به خویشاوندان ناتنی



ضرب‌المثل‌های مربوط به این گروه از خویشاوندان نیز، مانند خویشاوندان سببی، تنها در سه نسل «خود» و قبل و بعد از «خود» توزیع شده‌اند. در نسل قبل از «خود» ۵۰، در نسل «خود» ۱۱ و در نسل بعد از «خود» ۶ ضرب‌المثل. چنان‌که از این ارقام برمی‌آید و در نمودار شماره (۸) دیده می‌شود، در خویشاوندان ناتنی اعضای نسل پیش از «خود» بیشتر در معرض ضرب‌المثل‌سازی قرار گرفته‌اند. مقایسه این نمودار با نمودارهای مربوط به خویشاوندان نسبی و سببی (نمودارهای شماره ۳ و ۶) نشان می‌دهد که الگوی توزیع در این دو گروه متفاوت از دو گروه دیگر است.



نمودار شماره ۸: توزیع خویشاوندان ناتنی در نسل‌های مختلف



#### ۴-۴. واژه‌های خویشاوندی جمعی و سایر ضرب‌المثل‌ها

علاوه بر واژه‌های خویشاوندی معمول، که هر یک به خویشاوند خاصی ارجاع می‌دهند، واژه‌های دیگری در ضرب‌المثل‌ها مشاهده می‌شوند که با روابط خویشاوندی مرتبط هستند؛ اما مرجع آن‌ها همچون مرجع پدر، مادر، برادر و غیره نیست. این واژه‌ها (که آن‌ها را واژه‌های خویشاوندی جمعی نامیدیم) در جدول شماره ۱۲ (فهرست شده‌اند).

جدول شماره ۱۲: واژه‌های خویشاوندی جمعی و فراوانی ضرب‌المثل‌های مربوط به آن‌ها

واژه	تعداد	درصد	جمع
خانواده	۷	٪۶.۴۸	۱۰۸
خویش	۶۸	٪۶۲.۹۶	
فامیل	۷	٪۶.۴۸	
قوم	۲۰	٪۱۸.۵۲	
قبیله	۳	٪۲.۷۸	
طایفه	۲	٪۱.۸۵	
خاندان	۱	٪۰.۹۲	

می‌بینیم که واژه خویش در میان این دسته از واژه‌ها، فراوانی بسیار بیشتری دارد. حدود ۶۳٪ ضرب‌المثل‌های این گروه دست‌کم دربردارنده یک واژه خویش هستند. با توجه به اینکه واژه خویش در فارسی امروز، چه در گفتار و چه در نوشتار، واژه‌ای بسیار کم‌بسامد است، تفاوت فراوانی آن با دیگر واژه‌های هم‌سنخ خود معنادار به نظر می‌رسد. بسامد واژه خویش و مشتقات آن، در معنای خویشاوند، در فرهنگ بسامدی (بی‌جن‌خان و محسنی، ۱۳۹۰: ۱۶۴) در میان ۹۸۸۰.۴۰۰ واژه فارسی امروز تنها ۴۳ مورد است؛ اما در ۳۰۲۳۲ ضرب‌المثل فارسی بیش از ۷۰ مورد (در برخی ضرب‌المثل‌ها واژه خویش تکرار شده است).

ضرب‌المثل‌ها پاره‌های زبانی متعلق به گذشته هستند و طبیعی است حاوی واژه‌هایی باشند که در زبان امروز کهنه یا مهجور به نظر برسند. اما چرا جز درباره واژه «خویش»، دیگر واژه‌های خویشاوندی اثری از مهجورشدن در آن‌ها نیست؟ آیا اینکه «خویش» مرجع مشخصی ندارد، می‌تواند دلیلی باشد برای مهجور شدنش؟ به درستی نمی‌توان پاسخ داد؛ اما در کنار این مسئله فراوانی هفت‌تایی واژه نسبتاً جدید «فامیل» در پاره‌های زبانی که انتظار داریم مربوط به گذشته باشند، قابل توجه است. این امر از یک سو، نشانه حضور رقیبی خارجی برای «خویش» است که احتمالاً در مهجورشدن آن نقش داشته است، و از سوی دیگر نشانه‌ای است مبنی بر فعالیت بر دوام ماشین تولید ضرب‌المثل‌های فارسی. مشخص است که این بخش از ادبیات عامه همچنان پویاست؛ اما مشخص نیست که تا چه زمانی پویایی خود را حفظ خواهد کرد.

تعداد ۲۳ ضرب‌المثل نیز از کل ضرب‌المثل‌ها باقی مانده‌اند که در هیچ‌یک از دسته‌های مذکور نمی‌گنجد. برخی از این‌ها حتی حاوی واژه‌ای خویشاوندی نیستند؛ اما درون‌مایه آن‌ها بی‌ارتباط با روابط خویشاوندی نیست، مانند مثل: «اگر گوشت هم را بخورند استخوان یکدیگر را دور نمی‌اندازند» (۱۱۸۶۳). فراوانی اعضای این دسته در جدول شماره (۱۳) آمده است.

جدول شماره ۱۳: سایر واژه‌های مرتبط و فراوانی ضرب‌المثل‌های مربوط به آن‌ها

واژه	تعداد	جمع
نسب	۳	۲۳
کس	۳	
هم‌پدر	۱	
هم‌خون	۱	
وارث	۵	
سایر	۱۰	

#### ۵. مقایسه یافته‌ها

تا اینجا درباره تعداد ضرب‌المثل‌های مربوط به خویشاوندان مختلف و جنس، نسل و فرود خویشاوندان در ضرب‌المثل‌ها سخن گفته شد. اینک به مقایسه سه دسته خویشاوندی نسبی، سببی و ناتنی می‌پردازیم.

#### ۵-۱. فراوانی

چنانکه در جدول شماره (۱۴) پیداست و از ارقام داده شده برمی‌آید، خویشاوندی نسبی بیشترین درصد ضرب‌المثل‌ها را داراست.

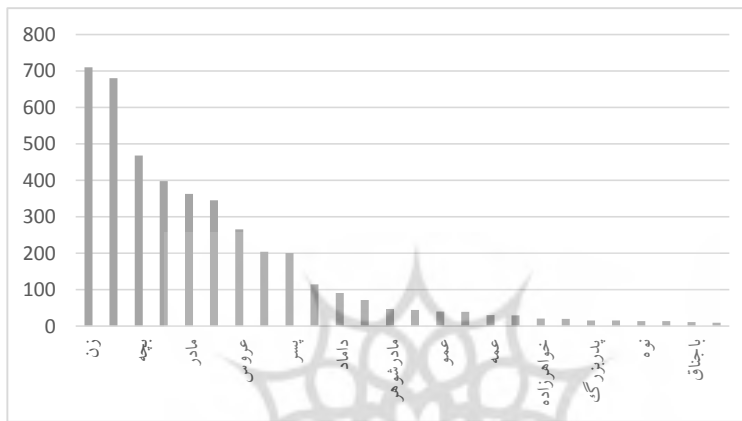
جدول شماره ۱۴: فراوانی و درصد ضرب‌المثل‌های هر گروه از خویشاوندان

نوع خویشاوندی	خویشاوندی نسبی	خویشاوندی سببی	خویشاوندی ناتنی	خویشاوندی جمعی	جمع
تعداد	۲۶۴۷	۱۶۳۵	۶۷	۱۰۸	۴۴۵۷
درصد	۵۹.۳۹٪	۳۶.۶۹٪	۱.۵٪	۲.۴۲٪	۱۰۰٪

این امر بدان معنا نیست که همه خویشاوندان نسبی ضرب‌المثل‌های بیشتری از دیگر انواع خویشاوندان دارند. با نگاهی به نمودار شماره (۹) که خویشاوندان را به ترتیب فراوانی ردیف کرده است، می‌توان دریافت که تصویر پیچیده‌تر از آن است که در جدول شماره (۱۴) به نظر می‌رسد. در این نمودار نیز به دلیل محدودیت فضا از ذکر مقولات با فراوانی زیر ۱۰ خودداری شده است. مشاهده می‌شود که از ۹

خویشاوند اول که فراوانی بالای ۲۰۰ دارند، خویشاوندان اول، چهارم و هفتم خویشاوند سببی هستند. زن دارای بیشترین فراوانی است و پس از آن پدر، و با اختلاف زیادی پس از آن‌ها بچه و شوهر.

نمودار شماره ۹: خویشاوندان به ترتیب فراوانی



در نمودار شماره ۹ (نکته جالب دیگری نهفته است. از ۹ خویشاوند اول که فراوانی بالای ۲۰۰ دارند، جز عروس که رتبه هفتم را به خود اختصاص داده است، همه خویشاوندان درجه یک هستند. حال چرا یک خویشاوند درجه دو، عروس، در این جایگاه قرار گرفته است، آن هم یک خویشاوند درجه دوی سببی و از نسل بعد از «خود»، آن هم با اختلاف بسیار زیادی با مادرشوهر؟ اگر تعداد و درصد درجات مختلف خویشاوندان را در هر دو گونه خویشاوندی نسبی و سببی حساب کنیم، این جایگاه عروس معنادارتر نیز می‌شود. در جدول شماره ۱۵) فراوانی درجات خویشاوندی مختلف مشاهده می‌شود. می‌بینیم که خویشاوندان درجه دو تنها ۱۸.۵۹٪ ضرب‌المثل‌ها را به خود اختصاص می‌دهند؛ اما خویشاوندان درجه یک ۸۰٪ را. در جدول شماره ۱۴) نیز مشاهده کردیم که خویشاوندان سببی دارای ۳۶.۶۹٪ ضرب‌المثل‌ها هستند، در مقابل ۵۹.۳۹٪ خویشاوندان نسبی. حال این پرسش به وجود می‌آید که با وجود این آمار و ارقام، چگونه یک خویشاوند سببی درجه دو در میان خویشاوندان درجه یک و عمدتاً نسبی چنین جایگاهی را اشغال کرده است؟ پاسخ‌دادن به این پرسش بررسی بیشتر و از گونه‌ای دیگر می‌طلبد.

جدول شماره ۱۵: فراوانی و درصد درجات مختلف خویشاوندان در کل

دور	درجه سه	درجه دو	درجه یک	
۲	۲۸	۳۱۶	۲۳۰۱	خویشاوندی نسبی
۰	۳۱	۴۸۰	۱۱۲۴	خویشاوندی سببی
۲	۵۹	۷۹۶	۳۴۲۵	جمع
%۰.۰۵	%۱.۳۸	%۱۸.۵۹	%۸۰	درصد از کل

## ۲-۵. جنس

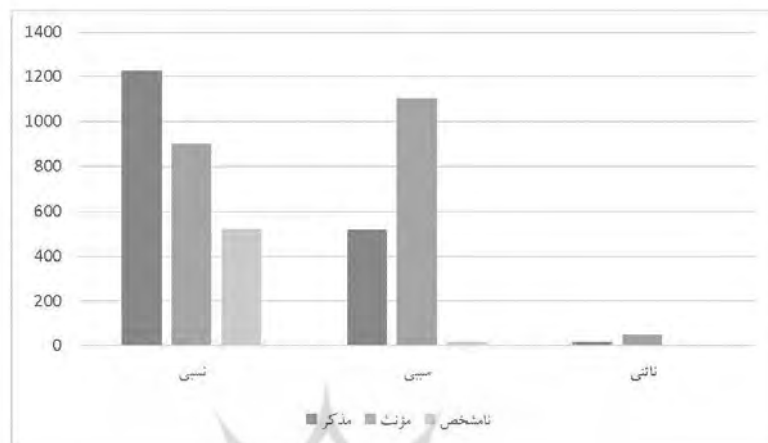
در مبحث جنس خویشاوندان دیدیم که در خویشاوندان نسبی تعداد و درصد خویشاوندان مذکر و در خویشاوندان سببی و ناتنی تعداد و درصد خویشاوندان مؤنث بیشتر است. چنان‌که در جدول شماره (۱۶) مشاهده می‌شود، از مجموع سه دسته، خویشاوندان مؤنث دارای تعداد بیشتری هستند.

جدول شماره ۱۶: توزیع جنس در کل خویشاوندان

جنس	تعداد	جمع	درصد
مذکر	۱۷۵۹	۴۳۴۹	%۴۰.۴۴
مؤنث	۲۰۵۳		%۴۷.۲
نامشخص	۵۳۷		%۱۲.۳۴

نمودار شماره (۱۰) جنس خویشاوندان را به تفکیک نشان می‌دهد و مقایسه سه گروه را از نظر توزیع جنس آسان‌تر می‌کند.

نمودار شماره ۱۰: توزیع جنس خویشاوندان نسبی، سببی و ناتنی



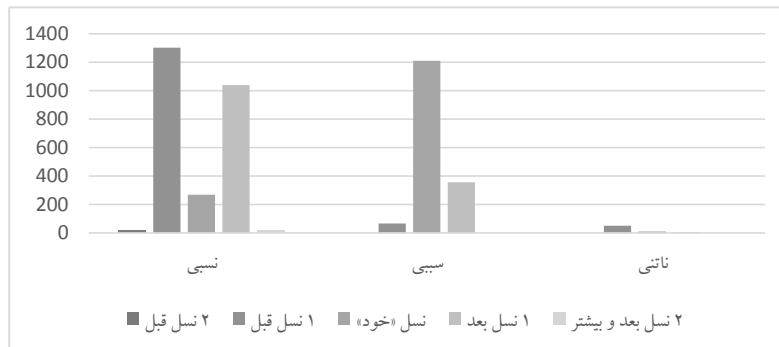
### ۳-۵. نسل

در بخش‌های پیشین دیدیم که توزیع دسته‌های مختلف خویشاوندان در نسل‌های مختلف متفاوت است و خویشاوندان نسبی، سببی و ناتنی الگوهای متفاوتی از توزیع نسل را به نمایش می‌گذارند. این توزیع در جدول شماره (۱۷) و نمودار شماره (۱۱) مقایسه شده است.

جدول شماره ۱۷: توزیع جنس در خویشاوندان نسبی، سببی و ناتنی

نسل	نسبی	سببی	ناتنی
دو نسل قبل از «خود»	۱۸	۰	۰
یک نسل قبل از «خود»	۱۳۰۲	۶۷	۵۰
نسل «خود»	۲۶۸	۱۲۱۱	۱۱
یک نسل بعد از «خود»	۱۰۴۰	۳۵۷	۶
دو نسل و بیشتر بعد از «خود»	۱۹	۰	۰

### نمودار شماره ۱۱: توزیع جنس در خویشاوندان نسبی، سببی و ناتنی



نخستین چیزی که در این جدول و نمودار جلب توجه می‌کند، این است که خویشاوندان سببی و ناتنی تنها به سه نسل قبل و بعد و نسل «خود» محدود می‌شوند. البته زبان فارسی واژه‌هایی برای خویشاوندان سببی و ناتنی نسل‌های دیگر ندارد و طبیعی است که در ضرب‌المثل‌ها نیز بازتابی نداشته باشند. نکته دیگر اینکه خویشاوندان نسبی در نسل‌های بلافاصله قبل و بعد از «خود» فراوانی بیشتری دارند و خویشاوندان سببی در نسل «خود» و خویشاوندان ناتنی در نسل قبل از «خود».

#### ۴-۵. جنس «خود»

در بحث از جنس «خود» در بخش خویشاوندان سببی گفته شد شبکه خویشاوندان نسبی از نظر جنس «خود» بی‌تفاوت است؛ اما بسته به اینکه «خود» مذکر یا مؤنث باشد شبکه خویشاوندانش متفاوت خواهد بود و انواع دیگر خویشاوندی نیز مطرح می‌شوند؛ اما اگر تمایزی را که مورد اک (۱۹۴۹) میان انواع خانواده قائل می‌شود وارد بحث کنیم، تصویر اندکی تغییر خواهد کرد. مورد اک (۱۹۴۹: ۱-۲) بر اساس بررسی تطبیقی ۲۵۰ جامعه مختلف، سه نوع خانواده را از هم تفکیک می‌کند: خانواده هسته‌ای<sup>۱</sup>، خانواده چند همسر<sup>۲</sup> و خانواده گسترده<sup>۳</sup>. خانواده هسته‌ای متشکل از یک زن و یک مرد و فرزندانشان است. خانواده چندهمسر به واسطه تعدد زوجات پدید می‌آید و خانواده گسترده نیز مجموعه‌ای از چند خانواده هسته‌ای است.

موردی که دو نوع خانواده هسته‌ای را نیز از هم تفکیک می‌کند: خانواده جهت‌گیری که شخص در آن به دنیا می‌آید و رشد می‌کند و خانواده زاد و ولد که شخص با ازدواجش تشکیل می‌دهد (همان، ۱۳). ناگفته پیداست که در نوع اول «خود» فرزند خانواده است؛ اما در نوع دوم یکی از والدین خانواده است. پس جنس «خود» هر چه باشد، خویشاوندان وی در خانواده جهت‌گیری یکسان و شامل پدر، مادر، خواهر و برادر هستند. اما خویشاوندان «خود» در خانواده زاد و ولد بسته به جنس «خود» اندکی متفاوت‌اند. اگر «خود» مذکر باشد، اعضای خانواده زاد و ولدیش عبارت‌اند از: زن، پسر و دختر؛ اما اگر مؤنث باشد عبارت‌اند از: شوهر، پسر و دختر. بنابراین توزیع داده‌های ما بر اساس نوع خانواده هسته‌ای و جنس «خود» به صورت جدول شماره (۱۸) خواهد بود.

جدول شماره ۱۸: ترکیب و توزیع خویشاوندان بر اساس نوع خانواده هسته‌ای

و جنس «خود»

خانواده زاد و ولد				خانواده جهت‌گیری	
«خود» مؤنث		«خود» مذکر		تعداد	خویشاوند
تعداد	خویشاوند	تعداد	خویشاوند		
۳۹۸	شوهر	۷۱۰	زن	۶۸۰	پدر
۱۶	همسر	۱۶	همسر	۳۶۳	مادر
۲۰۱	پسر	۲۰۱	پسر	۳۹	خواهر
۳۴۵	دختر	۳۴۵	دختر	۲۰۴	برادر
۴۶۸	بچه	۴۶۸	بچه	۱	والدین
۱۴۲۸	جمع	۱۷۴۰	جمع	۱۲۸۷	جمع

بر اساس این جدول از سه نوع ترکیب مختلف، بیشترین فراوانی از آن خانواده زاد و ولد با «خود» مذکر است. پس از آن، خانواده زاد و ولد با «خود» مؤنث و در آخر خانواده جهت‌گیری قرار دارد. حال ببینیم در خانواده چندهمسره وضعیت چگونه است.



ترکیب خانواده چندهمسره بر اساس «خود» مذکر و مؤنث در داده‌های این پژوهش به صورت جدول شماره (۱۹) است. می‌بینیم که با وجود تغییر ترکیب، فراوانی خانواده‌ها نسبت به خانواده‌های زاد و ولدی تغییر چندانی نکرده است.

**جدول شماره ۱۹: ترکیب و توزیع خویشاوندان بر اساس**

**جنس «خود» در خانواده چندهمسره**

«خود» مؤنث		«خود» مذکر	
تعداد	خویشاوند	تعداد	خویشاوند
۳۹۸	شوهر	۷۱۰	زن
۱۶	همسر	۱۶	همسر
۲۰۱	پسر	۲۰۱	پسر
۳۴۵	دختر	۳۴۵	دختر
۴۶۸	بچه	۴۶۸	بچه
۳۰	هوو		
۱	هووزاده		
۱۴۵۹	جمع	۱۷۴۰	جمع

در خانواده گسترده، تصویر به گونه‌ای کاملاً متفاوت است. دیدیم که ترکیب خانواده‌های هسته‌ای و چندهمسره بر اساس جنس «خود» تفاوت چندانی ندارند؛ اما در خانواده گسترده، به صورتی که در جوامع ایرانی معمول بوده‌اند و هنوز بقایایی از آن‌ها وجود دارد، ترکیب خانواده برای «خود» مذکر و مؤنث بسیار متفاوت است. معمولاً هر فرزند مذکر که در خانواده‌ای گسترده زندگی می‌کند با ازدواج، یک یا چند همسر (زن) و در پی آن یک یا چند فرزند را وارد خانواده می‌کند. بنابراین تنها خویشاوندان جدیدی به خویشاوندان از پیش موجود در خانواده وی اضافه می‌شوند. پدر، مادر، برادر، خواهر و برادرزاده سر جای خود هستند و همسر و فرزندان خود فرد نیز به آن‌ها اضافه می‌شوند. اما فرزند مؤنث با ازدواج، خویشاوندان موجود در خانواده فعلی‌اش را رها می‌کند و وارد خانواده جدیدی می‌شود که همه خویشاوندان موجود در آن برای وی

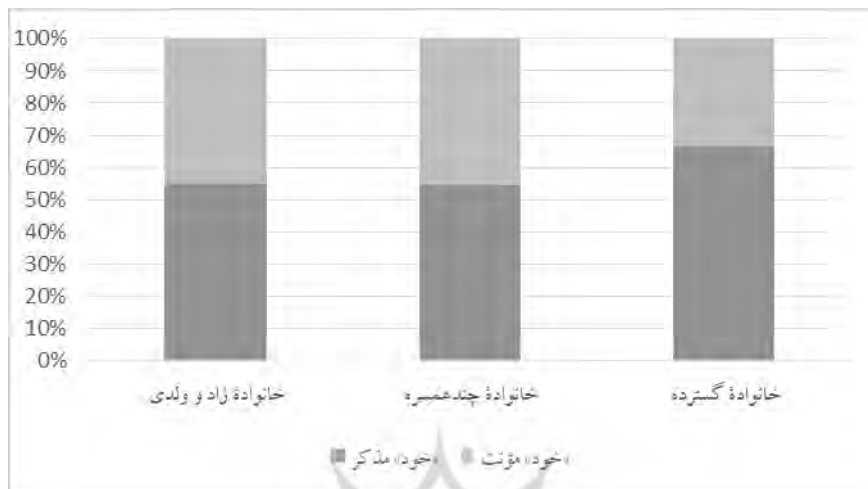
جدیدند. همسر (شوهر)، پدرشوهر، مادرشوهر، خواهرشوهر، برادرشوهر، جاری و احتمالاً هوو و هووزاده و پس از آن‌ها پسر و دختر خود فرد نیز اضافه می‌شوند. در نتیجه ترکیب این دو خانواده و توزیع داده‌ها برای این دو «خود» که از نظر جنس متفاوت‌اند، به صورت جدول شماره (۲۰) خواهد بود. مشاهده می‌شود که فراوانی برای گروه دارای «خود» مذکر تقریباً دو برابر فراوانی گروه دارای «خود» مؤنث است.

جدول شماره ۲۰: ترکیب و توزیع خویشاوندان بر اساس جنس «خود» در خانواده گسترده

«خود» مؤنث		«خود» مذکر	
تعداد	خویشاوند	تعداد	خویشاوند
۴	پدرشوهر	۶۸۰	پدر
۴۷	مادرشوهر	۳۶۳	مادر
۲	برادرشوهر	۲۰۴	برادر
۱۴	خواهرشوهر	۳۹	خواهر
۳۹۸	شوهر	۱	والدین
۱۶	همسر	۷۱۰	زن
۲۰۱	پسر	۱۶	همسر
۳۴۵	دختر	۲۰۱	پسر
۴۶۸	بچه	۳۴۵	دختر
۲۰	جاری	۴۶۸	بچه
۳۰	هوو	۵	برادرزاده
۱	هووزاده		
۱۵۴۶	جمع	۳۰۳۲	جمع

در نمودار شماره (۱۲) می‌توان نقش جنس «خود» را در فراوانی خانواده‌های مختلف بهتر مقایسه کرد. فراوانی بیشتر در هر سه خانواده از آن «خود» مذکر است؛ اما در خانواده گسترده تفاوت بیشتر است.

نمودار شماره ۱۲: تفاوت فراوانی خانواده‌های مختلف بر اساس جنس «خود»



از این نتایج چه چیزی می‌توان استنباط کرد؟ درصد بیشتری از ضرب‌المثل‌ها دربارهٔ خویشاوندان مرد هستند، یا دست‌کم حاوی واژه‌هایی هستند که به خویشاوندان مرد ارجاع می‌دهند و ضرب‌المثل‌های بیشتری از زن می‌گویند و کمتر از شوهر. آیا مردان بیشتر از زنان ضرب‌المثل می‌سازند؟ یا اینکه ضرب‌المثل‌هایی که مردان می‌سازند بیشتر مثبت و ضبط و منتقل می‌شوند؟ اصلاً آیا آن‌گونه که داستان‌ها و سخنان مردان نقل محافل می‌شود و به صورت ادبیات شفاهی و عامه در می‌آید، داستان‌ها و اقوال زنان نیز نقل می‌شود؟ پاسخ‌دادن به این پرسش‌ها نیز پژوهش‌های جداگانه‌ای می‌طلبد و در مجال این مقاله نیست.

### نتیجه‌گیری

از جمله پدیده‌های بااهمیتی که همگان از بدو تولد تا دم مرگ هر روز با آن سروکار دارند، روابط خویشاوندی است. در جوامعی چون جوامع ایرانی کمتر کسی یافت می‌شود که کل عمر خود را با حداقل یک خویشاوند نگذراند. خویشاوندان دیگر نیز در طی کل دوران زندگی تأثیرات قابل توجهی بر زندگی فرد دارند. اهمیت درجه‌بندی‌شدهٔ این خویشاوندان در ضرب‌المثل‌های فارسی منعکس شده است.

به خویشاوندان نسبی بیش از خویشاوندان سببی و ناتنی در ضرب‌المثل‌ها اشاره شده است. در میان خویشاوندان نسبی بیش از همه پدر و سپس فرزند، و در خویشاوندان سببی زن، به‌عنوان همسر، و سپس شوهر و نیز عروس تکرار شده‌اند. ترتیب در میان همشیران والدین نیز جالب است. نخست خاله و پس از آن دایی، و به ترتیب عمو و عمه ذکر شده‌اند. از میان فرزندان این خویشاوندان تنها فرزندان عمو و خاله در ضرب‌المثل‌ها مشاهده می‌شوند و نامی از پسردایی، دختردایی، پسرعمه و دخترعمه در داده‌های این پژوهش به چشم نمی‌خورد. خویشاوندان مؤنث بیشتر از خویشاوندان مذکر و مردان خویشاوندان نیز بیش از زنان خویشاوندان مشاهده می‌شوند در این پژوهش تأثیر جنس، نسل و فرود خویشاوندان، نوع و درجه خویشاوندی و همچنین نوع خانواده بر توزیع خویشاوندان در مثل‌ها بررسی شد. سؤالات بسیاری می‌توان مطرح کرد که یافتن پاسخی درخور برای آن‌ها مستلزم نظرپردازی و تبیین است. چرا ضرب‌المثل‌های مربوط به پدر بیشتر از ضرب‌المثل‌های مربوط به مادر است؟ چرا زن بیشتر از مرد؟ چرا عروس بیشتر از داماد؟ و ... قطعاً وجود پدیده‌هایی مانند مردسالاری، زندگی زوجین کنار خانواده مرد- که باعث پررنگ‌تر شدن نقش مادرشوهر و در کل خویشاوندان مرد نسبت به زن شده بود- و جنگ پنهان عروس و خانواده شوهر و دیگر روابط اجتماعی خانواده‌های سنتی، نقش مهمی در تفاوت‌های یادشده دارند.

پی‌نوشت‌ها

1. N. S. Trubetzkoy
2. Paremiology
3. Paremiography
4. Phraseology
5. lineal
6. co-lineal
7. ablineal
8. nuclear family
9. polygamous family
10. extended family

## منابع

- باطنی، محمدرضا (۱۳۵۴). «اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی». *مسائل زبان‌شناسی نوین*. تهران: آگاه.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۷۵). «کلیاتی در تعاریف، اقسام و فوائد مثل». *کیهان اندیشه*. ش ۶۶. صص ۶۷-۸۴.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۵). «کتاب‌شناسی ضرب‌المثل‌ها». *مجله مطالعات ایرانی*. س ۵. ش ۹. صص ۵۳-۷۷.
- ----- (۱۳۸۷). «تغییر شکل و تعدد روایات در ضرب‌المثل‌های فارسی». *نجوای فرهنگ*. ش ۷. صص ۱۳-۲۴.
- ----- (۱۳۸۹). «زیبایی‌شناسی ضرب‌المثل‌های فارسی». *بوستان ادب*. دوره دوم. شماره ۲ (پیاپی ۵۸/۱). صص ۵۱-۸۲.
- ----- (۱۳۸۹). *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی*. تهران: معین.
- ----- (۱۳۹۱). «خانواده و روابط خانوادگی در ضرب‌المثل‌های فارسی». *فصلنامه فرهنگ مردم ایران*. ش ۳۱. صص ۱۳۷-۱۵۵.
- ----- (۱۳۹۲). *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی*. تهران: نشر علمی.
- عباسی، بیستون (۱۳۹۰). *معناشناسی واژگان خویشاوندی هورامی به روش تحلیل مؤلفه‌ای*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- عباسی، بیستون و کریستین کزازی (۱۳۹۲). «بررسی واژگان خویشاوندی هورامی بر اساس معیارهای مورداک». *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*. س ۱. ش ۲. صص ۳۱-۵۵.
- کلهر، سمیرا (۱۳۸۰). «زن در ضرب‌المثل‌ها». *کتاب ماه هنر*. ش ۳۹-۴۰. صص ۷۵-۸۱.
- موحد، مجید و دیگران (۱۳۹۱). «تحلیلی جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس». *زن در فرهنگ و هنر*. دوره ۴. ش ۲. صص ۱۰۱-۱۲۰.
- مؤیدحکمت، ناهید (۱۳۸۶). «ارزش‌های بارز فرهنگی در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی». *نامه فرهنگستان*. ش ۹(۴). صص ۹۵-۱۰۵.
- نوین، حسین (۱۳۸۷). «تحلیل روان‌شناختی امثال و حکم فارسی». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱۰. صص ۸۵-۱۰۸.

- Boas, F. (1919). «Kinship Terms of the Kutenai Indians». *American Anthropologist*. no. 21 (1). Pp. 98-101.
- Goodenough, W. H. (1956). «Componential Analysis and the Study of Meaning». *Language*. no. 32 (1). Pp. 195-216.
- Honeck, R. P. (1997). *A Proverb in Mind: The Cognitive Science of Proverbial Wit and Wisdom*. London: Lawrence Erlbaum Associates.
- Lounsbury, F. G. (1956). «A Semantic Analysis of the Pawnee Kinship Usage». *Language*. no. 32. pp. 158-194.
- Lyons, J. (1977). *Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mieder, W. (2004). *Proverbs: A Handbook*. Westport: Greenwood Press.
- Morgan, L. H. (1922[1851]). *League of the Ho-d-no-sau-nee, or Iroquois*. ed. H. M. Lloyd. New York: Dodd, Mead and Company.
- Murdock, G. P. (1949). *Social Structure*. New York: The Macmillan Company.
- Sapir, E. (1918). «Kinship Terms of the Kootenay Indians». *American Anthropologist*. no. 20 (4). Pp. 414-418.

